

بررسی ساختارهای فرهنگی در ضرب‌المثل‌های ترشیزکهن

حمید زنده دل^۱، رضا مهربان قزلحصار^{۲*}، جواد مهربان قزلحصار^۳

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

^{۲*} استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

(نویسنده مسئول) Email: rezamehraban16@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

چکیده

ادبیات عامه ایرانی نمونه بارزی از گنجینه گران‌بهای ادبی جهان است که ما ایرانیان از ذخایر و مالکیت این گنج معنوی برخوردار هستیم که متأسفانه قدر آن را ندانسته‌ایم. ضرب‌المثل‌ها گونه‌ای از این گنجینه هستند که معمولاً تاریخچه و داستانی پندآموز در پس بعضی از آن‌ها نهفته است. بسیاری از این داستان‌ها از یاد رفته‌اند، و پیشینه برخی از امثال بر بعضی از مردم روشن نیست؛ با این حال، در سخن به کار می‌روند. در کشور ما به دلیل سابقه کهن، ضرب‌المثل‌های فراوانی وجود دارد. اگرچه در اقوام مختلف ایرانی این ضرب‌المثل‌ها دارای تفاوت‌هایی در زبان و لهجه است، ولی بسیاری از آن‌ها به جهت معنا و یا مفهوم مشترک هستند. ضرب‌المثل‌ها در واقع انعکاسی از فرهنگ اصیل و شایع هر جامعه است. در پژوهش حاضر، با بحث و بررسی در مورد ضرب‌المثل‌ها و تعبیرات عامیانه رایج در دیار ترشیز، سعی خواهیم کرد ارزش‌ها، معیارها و شیوه زندگی گذشتگان‌مان را ترسیم کنیم و از این طریق آداب و رسوم، ساختارهای فرهنگی و هنجارها را مورد پژوهش و بررسی قرار دهیم.

کلیدواژه: ضرب‌المثل، فرهنگ، ساختارهای فرهنگی، ترشیزکهن.

۱- مقدمه

خراسان بزرگ و به تبع آن ترشیز، کانون ضرب‌المثل‌هاست و مردم این سرزمین بیشتر با زبان شعر، کنایه و با زبان هنری سخن می‌گویند، اگر بخواهیم برای ضرب‌المثل تاریخی را در نظر بگیریم باید گفت که همزمان با پیدایش زبان، ضرب‌المثل هم میان مردم رواج پیدا کرد و به دلیل این که ضرب‌المثل کاربرد زیادی دارد، افراد بسیاری این مطالب را می‌توانند در قالب یک جمله کوتاه بیان کنند و از این جهت میان مردم مقبول و شایسته است. بعضی مثل‌ها در میان عوام کاربرد دارد و بعضی دیگر، بیشتر مورد استفاده قشر تحصیل کرده است. نوع اول را معمولاً، عوام از میان زندگی روزمره خودشان استخراج کرده‌اند تا بتوانند با چند کلمه، طرف مقابل خود را مجاب نمایند یا او را تشویق و تحذیر نمایند. نوع دوم اما در آثار برجسته ادبی پدید می‌آید و از آرایه‌های کلامی نظیر تشبیه، سجع، ایهام و ... مخصوصاً ایجاز بهره می‌گیرند. ضرب‌المثل، تصویری فشرده از زندگی اجتماعی، سیاسی، حکومتی و اقتصادی دوره‌های گذشته و امروز یک قوم است و طبعاً هر قوم و کشوری که سابقه فرهنگی غنی‌تری داشته باشد از ضرب‌المثل‌های بیشتری استفاده می‌کند فرهنگ ایرانی و به تبع آن فرهنگ خراسان رضوی و به ویژه ترشیزکهن، دارای فرهنگی است که قرن‌ها تجربه، دانش، خرد، سنت و آداب مخصوصی را پشت سر گذاشته است که آن را از فرهنگ سایر اقوام و ملل متمایز می‌سازد.

۱-۱- بیان مسأله

هدف از این مقاله، واکاوی مسائل مختلف فرهنگی در ضرب‌المثل‌های ترشیزکهن، از حیث محتوا است. در ابتدا ضمن اشاره به ارزش مثل‌ها، تعریفی ارائه می‌شود که اجزای این تعریف، اساس طبقه‌بندی مثل‌ها را تشکیل می‌دهد. سپس طبقه‌بندی‌های موجود را نقل و نقد می‌کنیم و به بررسی مسائل فرهنگی در آن می‌پردازیم.

۱-۲- سوالات تحقیق

این مقاله در صدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

- ۱- بررسی و تحلیل محتوای ضرب‌المثل‌های ترشیز شامل چه دسته از مفاهیم فرهنگی است؟
- ۲- این مفاهیم و ارزش‌ها به چه صورتی در ضرب‌المثل‌های دیار ترشیز نمود یافته‌اند؟
- ۳- عوامل تاثیرگذار در ضرب‌المثل‌های دیار ترشیز کهن کدام است؟

۱-۳- فرضیه تحقیق

با توجه به آن‌چه یاد شد، در مطالعه مقدماتی چند فرضیه ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

- ۱- ضرب‌المثل‌های منطقه ترشیز از انواع آرزوها یا تجربه‌های زندگی و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی سخن می‌گوید.
- ۲- طبقات مختلف اجتماعی در شکل‌گیری موضوعی امثال و حکم به میزان متفاوتی سهیم بوده‌اند. از جمله موضوعات مختلف تربیتی، روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی از موضوعات مهم امثال و حکم این دیار به شمار می‌آید.
- ۳- مبانی فکری و محتوایی امثال و حکم ترشیز، مولود اندیشه‌های والا و احساسات پرشور مردم و نیز بر انگیزه‌های مختلف شهرستان‌های کاشمر، کوهسرخ، بردسکن و خلیل‌آباد است ساختار دستوری ضرب‌المثل‌ها که بر اساس زمان‌های گذشته، حال و آینده استوار است، اغلب از توجه مردم نسبت به امور تاریخی گذشته، و زندگی فعلی و آرزوهای آینده آن‌ها ناشی می‌شود.

۱-۴- روش تحقیق

در این پژوهش تا جایی که امکان پذیر بوده است امثال به صورت میدانی گردآوری شده‌اند و مرحله بعدی تحقیق و پژوهش به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته و از منابع مکتوب استفاده شده است. برای انتقال صحیح تلفظ واژه‌ها و اصطلاحات گویشی، از الفبای متداول بین شرق‌شناسان (البته بشکلی ساده‌تر) به شرح زیر استفاده شده است.

صامت‌ها: ا (a)، ب (b)، پ (p)، ت (t)، ث (s)، ج (j)، چ (č)، ح (h)، خ (x)، د (d)، ذ (z)، ر (r)، ز (z)، ژ (ž)، س (s)، ش (š)، ص (s)، ض (z)، ط (t)، ظ (z)، ع (a)، غ (g)، ف (f)، ق (g)، ک (k)، گ (q)، ل (l)، م (m)، ن (n)، و (v)، ه (h)، ی (y).
مصوت‌های کوتاه: ا (a)، ِ (e)، ُ (o).
مصوت‌های بلند: آ (ā)، ِ... (ī)، ُ... (ū).

۱-۵- پیشینه تحقیق

با مراجعه به اطلاعات موجود در بانک‌های اطلاعاتی، تالیف‌ها، ترجمه‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های مربوط به موضوع مورد نظر، هیچ بررسی دقیق و جامعی در باره بررسی ساختارهای فرهنگی در ضرب‌المثل‌های ترشیزکهن صورت نپذیرفته است. لیکن یک کتاب به نام «فرهنگ مردم کاشمر (فولکلور): نگاهی به فرهنگ عامه‌ی ترشیزکهن» از علی اکبر خلیلی (۱۳۹۰) به موضوع فرهنگ عامه مردم کاشمر پرداخته است.

در این کتاب ضمن بررسی سنت‌ها، آیین‌ها، باورها و اعتقادات مردم کاشمر، به پیشینه تاریخی و جغرافیایی، اداره‌ها، سازمان‌ها و مراکز علمی شهرستان اشاره شده و زندگی مادی، معنوی و اجتماعی مردم در مباحثی چون ازدواج؛ بازی‌ها و سرگرمی‌ها؛ خوراک و پوشاک بررسی شده است. در پایان کتاب نیز

گزیده‌ای از لغات، اصطلاحات، فعل‌ها و ضرب‌المثل‌های بومی مردم کاشمر در جدول‌های مجزا آورده شده است. دومین مورد قابل ذکر، پایان‌نامه‌ای است با عنوان «بررسی عناصر فرهنگی در ضرب‌المثل‌های عشایر خراسان رضوی (درگز و باجگیران)» که توسط حمیده روح‌بخش نافع (۱۳۹۰) دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده زبان‌های خارجی - به رشته تحریر در آمده است. مورد سوم مقاله‌ای است با عنوان «نگاهی به امثال و حکم در ادب خراسان (قرن ۴ و ۵)» نوشته حمید نقش‌بندی، علی نوروزی، حسین ناظری و محمد باقر حسینی که در مجله زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی سابق)، شماره دوازدهم بهار و تابستان ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. چهارمین پژوهش، مقاله‌ای است با عنوان «مطالعه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در ضرب‌المثل‌های فارسی» به نویسندگی مهران سهراب‌زاده و بهجت یزدخواستی که در مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۸، دوره پنجم شماره ۱۴، صفحات ۶۵ تا ۹۰ به چاپ رسیده است. آخرین مورد نیز مقاله‌ای است با عنوان «بازتاب مسائل اجتماعی در ضرب‌المثل‌های فارسی» نوشته دکتر حسن ذوالفقاری که در نشریه نجوای فرهنگ، شماره ۳، بهار ۱۳۸۶ به طبع رسیده است. لازم به ذکر است وب سایت‌های محدودی نیز به موضوع ضرب‌المثل‌های مربوط به ترشیز پرداخته‌اند. موارد مذکور به دلایل نپرداختن به مقوله ضرب‌المثل‌های دیار ترشیز، محدود بودن دامنه پژوهش و فقدان جنبه‌های نیرومند تحلیلی، خلاء موجود را بر طرف نکرده است. بنابراین در این پژوهش قصد داریم ضمن معرفی تعدادی از ضرب‌المثل‌های ترشیزکهن، معروف‌ترین آن‌ها را در فهرستی جداگانه همراه با معنی، مفهوم و بررسی ساختارهای فرهنگی آن ارائه کنیم؛ و بدیهی است اکثر ضرب‌المثل‌های عنوان شده در تحقیق، در بسیاری از مناطق و شهرستان‌های ترشیزکهن مشترک است.

۱-۶- هدف تحقیق

کشور ما از وسعت زیاد و فرهنگ عامه قوی برخوردار است و به همین دلیل برای هر موضوعی شاید ده‌ها ضرب‌المثل داشته باشیم و هدف از این پژوهش هم دستیابی به ساختارهای فرهنگی در پس مجموعه به ظاهر پراکنده و بدون ساخت ضرب‌المثل‌های دیار ترشیز، و همچنین شناخت مفاهیم ارزشی و ضد ارزشی و ایستارهای فرهنگی مستتر در ضرب‌المثل‌ها؛ و گسترش ادبیات عامه و ضرب‌المثل‌های جمع‌آوری شده می‌باشد.

۲- تعاریف واژگان

۱-۲- ضرب المثل

ضرب‌المثل گونه‌ای از بیان است که معمولاً تاریخچه و داستانی پندآموز در پس بعضی از آن‌ها نهفته است. بسیاری از این داستان‌ها از یاد رفته‌اند، و پیشینه برخی از امثال بر بعضی از مردم روشن نیست؛ با این حال، در سخن به کار می‌رود. شکل درست این واژه «مَثَل» است و ضرب در ابتدای آن اضافه است. به عبارت دیگر، «ضرب المثل» به معنای مَثَل زدن (به فارسی: داستان زدن) است. مردم در گفتگوهایشان برای این که منظور خود را بهتر بفهمانند، از ضرب‌المثل‌ها استفاده می‌کنند. ضرب‌المثل می‌تواند یک بیت شعر یا فقط یک مصراع شعر یا جمله ای معروف باشد. هر قدر تاریخ تمدن ملتی درازتر باشد بیشتر حادثه در آن پیدا شده و مثل‌های بیشتری در آن وجود دارد. ضرب‌المثل‌ها همگی کوتاه‌اند و همین کوتاهی است که سبب ماندگاری در حافظه مردم و تأثیرگذاری بر آن‌ها می‌شود. «گاه باشد که آوردن یک مثل در نظم یا نثر و خطابه و سخن رانی، اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه و مقاله و رساله بیشتر است» (همایی، ۱۳۶۸: ۳۰۰).

۲-۲- ساختار فرهنگی

در ساده‌ترین تعریف، ساختار شامل تمام عناصر و اجزایی است که یک اثر را شکل می‌دهد. هرچیزی در جهان ساختار و فرمی دارد؛ یک ساختمان، یک اتومبیل، یک تابلو نقاشی، یک شعر و حتی یک مقاله و یادداشت ادبی. در تعریف ساختار فرهنگی باید گفت: مجموعه‌ای از روابط و پیوندهایی است که میان افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف یک جامعه برقرار می‌باشد و رفتارهای فرهنگی در آن جامعه بر پایه این روابط تنظیم می‌شود.

۲-۳- ترشیز

این منطقه دیر زمانی با نام عمومی ترشیز شناخته می‌شد (قبلاً چهار شهرستان کاشمر - بردسکن - خلیل آباد و کوه سرخ در کنار هم به عنوان یک شهرستان با مرکزیت کاشمر بوده است). این سرزمین برحاشیه جاده ابریشم واقع شده؛ از این رو قدمتی به گستره تاریخ دارد. ترشیز پیشین از گذشته‌های دور تاکنون دچار دگرگونی و تغییر نام شده است. در بررسی نام این شهر به بیش از بیست نام برمی‌خوریم که با یک جمع‌بندی می‌توان تمامی آن‌ها را در واژگان «کشم» «ترشیز»، «بشت» و «سلطان‌آباد» خلاصه کرد. به این ترتیب واژه کشمر که به معنای آغوش مادر؛ احتمالاً بیانگر زادگاه زرتشت است، با گذشتن از شکل‌های کیشمر و کشمار، سرانجام به گونه کشمر درآمده و در همین صورت باقی مانده است. از سوی دیگر فرهنگ‌نگاران، کاشمر را گونه کامل شده «کاخجر»، «کاشغر» و «کاشغر» دانسته‌اند و بر این باورند، که «کاش» برگردانیده شده «کاج» است و «کاخجر»، یادآور سرو بزرگ و سرشناس این سرزمین «سرو کشمر» است. (خسروی، ۱۳۷۶: ۴۵)

۳- بحث و بررسی

۳-۱- ضرب المثل و فرهنگ

مثل‌ها، آینه فرهنگ و اندیشه‌های مردم و حاوی حکمت‌های تجربی آنان است که از دو منبع مهم دینی و ملی نشأت می‌گیرند. ضرب المثل‌ها در میان هر ملت، یکی از عناصر مهم زبان و ادبیات آن مردم به شمار می‌روند و از طرفی در بردارنده پند و دستور اخلاقی بزرگی است که با وجود کوتاهی لفظ و سادگی و روانی، شنونده را در افکار عمیق فرو می‌برد و آن جمله را از گوش به اعماق قلب خود می‌فرستد و انفعالات و هیجانی در نفس او به وجود می‌آورد. فرهنگ نیز یک پدیده عام است و هیچ گروه یا فردی در جامعه انسانی را نمی‌توان یافت که فرهنگ نداشته باشد، اما از آن جایی که اقوام و جوامع مختلف به نحو یکسانی در برآورده کردن نیازهای خود و برخوردشان برای رفع نیازها یکسان نبوده‌اند، طبیعتاً فرهنگ خاص خود را ساخته و پرداخته‌اند و از این رو است که تنوع فرهنگی در جوامع مختلف به چشم می‌خورد (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۲۲).

۳-۲- نمود ساختار فرهنگی در ضرب المثل‌های ترشیز

فرهنگ در چهار راه اندیشه و احساس قرار گرفته است و آن را باید در حوزه اجتماعی، معادلی دانست برای نظام روانی و احساسی که به غرایز، ساختار می‌دهد. به بیان دیگر فرهنگ یک پدیده اجتماعی است که از سویی در تلاش برای پاسخ‌گویی به نیازهای گوناگون انسان‌ها پدید می‌آید و از سویی دیگر راهنمای فکر و عمل آن‌ها برای مرتفع کردن نیازهایشان است. شخصیت اجتماعی مردم یک جامعه در فرهنگ عمومی آن‌ها خلاصه می‌شود، لذا اهمیت شناخت بررسی فرهنگ عمومی برای ارتقاء و تحول آن در مسیر رشد و توسعه، آشکار می‌شود. دانشمندان تاریخ و جامعه‌شناس در بررسی روحیه‌ها و اخلاق گذشتگان از ضرب المثل‌های جاری هر محلی که نشان‌دهنده فرهنگ عمومی آن جامعه باشد استفاده می‌کنند. دانستن ضرب المثل‌ها، گفتن و نوشتن را آسان می‌کند، زیرا این جمله‌ها کوتاه و زیباست و بر دل می‌نشیند و گفتگوی دراز را کوتاه می‌کند که اگر در جای خود استفاده شود، اثر حرف، دل‌نشین‌تر و بیشتر می‌شود امثال و حکم به عنوان نمای افکار، روحیات و آداب یک جامعه و جایگاه آن در مسائل فرهنگی و اجتماعی نقش به‌سزایی دارد که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم.

۱- ضرب المثل‌های ملل مختلف نشان‌دهنده افکار و روحیات آنان است و جامعه‌شناسان می‌توانند از آن‌ها در شناخت ویژگی‌های روحی آن جامعه بهره‌گیرند. در حقیقت ضرب المثل‌ها می‌توانند وسیله‌ای برای کالبد شکافی سلوک اجتماعی و عقاید جاری در جوامع و شناخت آن بر اساس نشانه‌های فرهنگی و علایم خارجی به کار گرفته شوند.

۲- آنچه از فرهنگ و ادب در سینه و اذهان مردم وجود دارد، کمتر از آن نیست که در کتب و نوشته‌ها نقل و ضبط می‌شود. از این رو می‌توان با تحقیق در اقسام فرهنگ عامه و بازتاب آن در فرهنگ عمومی به احوال و آثار ملل دیگر پی برد. زیرا کنکاش در احوال و افکار و ذوق و سلیقه و روحیات مردم سده‌های پیشین یکی از راه‌های بازیابی هویت ملی و فرهنگی ملت‌ها است (رنه ولک، ۱۳۷۰: ۱۳۸).

۳- فرهنگ عامه ابزار آموزش مسایل عمومی در زمینه اخلاق و تعلیم و تربیت به مردم عامه است. گذشته از این مضامین ارزنده، امثال و حکم که از ذوق و تجربه و اندیشه مردم نشأت گرفته همواره دست مایه فرهیختگان و اندیشمندان در خلق برخی از آثار بوده است و بازتاب آن در جلوه‌های گوناگون مشاهده می‌شود.

۴- امثال و حکم، جملات کوتاهی است که هر جا پای استدلال در مذاکرات عمومی، سست و چوبین شود به یاری متکلم می‌شتابد و مقصود و منظور گوینده را در یک جمله کوتاه و مستدل، روشن می‌سازد، مثلاً برای سخنران و گوینده، وقت کافی لازم است تا پیرامون احسان و انفاق بحث کند و بتواند ثابت کند که بذل و بخشش مذهب و ملت نمی‌شناسد و محتاج، محتاج است چه مسلمان باشد چه غیر مسلمان، چه موحد باشد چه غیر موحد. ولی این گفته ابوالحسن خرقانی عارف عالی قدر ایران که بر سررد مهمان سرایش نوشت: «نانش بده، ایمانش می‌رس» همه چیز را در خود جمع کرده و گوینده را از هرگونه اطاله کلام و بیان سخن خلاصی می‌بخشد. (پرتوی آملی، ۱۳۶۹: ۱۸)

۵- گاهی امثال و حکم مانند مصلحان اجتماعی عمل می‌کنند و به بیان مفسد اجتماعی و هنجارها و ناهنجاری‌های جامعه می‌پردازند. دزدی پی دیوار خانه ای را به آرامی می‌کند. صاحب‌خانه سر از بام بر کرده پرسید، چه می‌کنی؟ گفت دهل می‌زنم. سؤال کرد بدین آهستگی چرا؟ جواب داد: «صبح آوازش بلند می‌شود». این مثل به هوشیاری و آگاهی شخصی و یا جامعه‌ای غافل از پیامدهای کارهای خویش اشاره دارد که زمانی از خسارت و مصیبت وارده آگاه می‌شوند که کار از کار گذشته باشد. (دهخدا، ۱۳۶۱: ۱۰۵۰/۲)

۶- با مطالعه مثل‌ها و شناخت مورد استعمال آن می‌توان به قدرت تفکر و اصالت فرهنگی و حتی خصوصیات روانی آن ملت پی برد و از آن در مطالعات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی استفاده کرد. (محتشم، ۱۳۷۸: ۱۱)

۷- تحقیق و تفحص در امثال و فرهنگ عامه ملل مختلف، این امر را روشن می‌سازد که اساس و پایه فرهنگ‌های جهانی و عناصر مهم تشکیل دهنده آن، اغلب مفاهیم و مضامین مشترکی است نظیر عدالت خواهی، راستی و درستی، محبت و دوستی، فراغ و وصال، خردمندی، شجاعت و ...

۳-۳- ضرب‌المثل در فرهنگ مردمان ترشیز

در ادبیات کلاسیک فارسی و لهجه‌های ایرانی ضرب‌المثل‌ها به فراوانی دیده می‌شود و ترشیز یکی از مناطق عمده‌ای است که مردم آن علی‌رغم هججه‌های فرهنگی سال‌های گذشته به اصالت زبان فارسی، از ضرب‌المثل‌ها و نمادهای زبان فارسی در محاورات روزانه خود به حد وفور استفاده می‌کنند. لهجه محلی، حفظ رسوم و سنت‌های غنی و رفتاری سرشار از متانت و بردباری، که خصیصهٔ مردمان خراسان است در کنار شوخ‌طبعی در گفتار، زمینه را برای پرورش طبعی نکته‌سنج در ترشیز مهیا کرده است و این مهم در لفافه ضرب‌المثل‌ها، سخن‌گفتن در دیار ترشیز را به اوج رسانده است. به گونه‌ای که در گفتار مردمان این دیار در هر جمله یک ضرب‌المثل نیز نهفته است و سعی می‌کنند با استفاده از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های رایج در ادبیات فارسی و گاه خاص مردم ترشیز، منظور خود را به شنونده القا کنند.

به عنوان مثال نخل (نمادی از تابوت امام حسین (ع)) روستای فدافن^۱ در این شهرستان به علت عظمت و سنگینی، حداقل توسط چهل مرد تنومند حمل می‌شود. مردم زمانی که شاهد ترس کسی از انجام کاری نه چندان سخت می‌باشند، این ضرب‌المثل را به کار می‌برند:

«مگه میی (می‌خواهی)، نخل فدافن ر حرکت بتی (بدهی)»

Maghe meyi naxle fedafen re harkat beti.

و یا در نفرین‌های محبت‌آمیز مادران نسبت به فرزندان پسر شاهدیم که می‌گویند:

«الهی ننه، بری که از روی نخل فدافن، بُفتی (بیفتی) به تَه (پایین)»

Elahi nana beri ke az rooy naxle fedafen bofti be ta.

^۱ فدافن، نام روستایی است از توابع بخش مرکزی شهرستان کاشمر در استان خراسان رضوی. فدافن یکی از روستاهای پرجمعیت کاشمر است که در دهستان بالا ولایت قرار دارد.

یا آسیاب روستای کُندر^۲ قدیم، به لطف آب ششطراز (نام دهستانی است) همیشه رونق داشته است و همین رونق باعث جلب نظر راهزنان و مهاجمان ترک و ازبک و اشراک محلات اطراف می‌شد. اینان هر ازگاه، دستبرد می‌زدند و باجی می‌گرفتند. بعضی وقت‌ها حضور خودشان را با دزدیدن میله میانی (محور چوبی میانه سنگ اصلی) آسیاب اعلام می‌کردند و باج می‌خواستند. البته گاهی اوقات که دست‌خالی بر می‌گشتند، به این آسیاب و این میله خسارتی وارد می‌کردند. به سرقت رفتن یا کج شدن این میله یعنی عزا و وحشت و آشوب در منطقه، هر کس بی‌گناه است و متهم به کاری می‌شود می‌گوید:

"یقن (یقیناً) واز (مجددا) میلِ آسیبی (آسیاب) کُندرِ دزیدن (دزدیدن)!"

Yeghen waz mile asiye kondore dozidan

۳-۴ - عوامل تاثیرگذار در ضرب‌المثل‌های دیار ترشیز کهن

موضوعات مختلف اخلاقی، تربیتی، روان‌شناختی و اجتماعی در ضرب‌المثل‌های این دیار مطرح شده است. بارزترین ویژگی ضرب‌المثل‌های این منطقه از کشورمان، ارتباط این ضرب‌المثل‌ها با زندگی مردمان شهر و روستا بوده است. با این ضرب‌المثل‌ها می‌توانیم ویژگی‌های روحی، روانی، اجتماعی و ساختارهای فرهنگی مردمان این سرزمین را بازشناسیم. این ضرب‌المثل‌ها بخشی از بافتار فرهنگی این سرزمین و یکی از منابع غنی و مطمئن در مطالعه فرهنگ این جامعه هستند و با توجه به این که مثل‌ها، فلسفه زندگی یک گروه اجتماعی می‌باشند، می‌توان طرز تفکر و نگرش‌های خاص مردمان این منطقه و شیوه برخورد آن‌ها با امور مختلف را در آینه ضرب‌المثل‌هایشان دید.

۳-۵ - تأثیر محیط در ساختار ضرب‌المثل‌ها

محیط زندگی از اساسی‌ترین عوامل تأثیرگذار در ساختار ضرب‌المثل‌ها بوده است. در ضرب‌المثل‌های این منطقه، جابه‌جا می‌توان رد پای محیط و ویژگی‌های محیطی را دید و این نشان از این دارد که چه اندازه مردم این منطقه با طبیعت مأنوس بوده‌اند و در تجربیات خود تا چه اندازه از طبیعت الهام گرفته‌اند. وقتی ضرب‌المثل

"انگور خُب گیرِ شُغال میه"^۳

Angor khob gir shoghal miya

مورد استفاده قرار می‌گیرد، این الهام از شیوه زندگی طبیعی و مأنوس بودن با طبیعت است که در قالب ضرب‌المثل نمود پیدا کرده است و نهایت دل‌بستگی خالق این ضرب‌المثل را با طبیعت آن آشکار می‌کند.

و یا ضرب‌المثل:

"دود از کُندِ پَلنِ مرّه"^۴

Dod az konda belan mera

نیز به نوبه خود طبیعت‌گرایی و الهام از طبیعت را در خلق ضرب‌المثل‌ها به نمایش می‌گذارد.

همچنین ضرب‌المثل:

"پندَره گله هنوز دِ پیوالِ قدیمه"^۵

Pendara ghela hanooz de peywale ghedima

اشاره به کسی دارد که فکر می‌کند گله هنوز در جای قدیم است. این مثل نیز برگرفته از شیوه زندگی طبیعی آن‌هاست که خود مشغول امر دامداری و گله‌پروری بوده‌اند. این ضرب‌المثل در مورد کسی که در گذشته سیر می‌کند و فکر می‌کند هنوز مردم مثل سابق هستند، قابل توجه و تأمل است.

^۲ کندر مرکز بخش ششطراز از توابع شهرستان خلیل‌آباد است. کندر پیش از این روستا بود و شهر شدن آن در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۸۴ به تصویب رئیس‌جمهور وقت رسید. کندر زادگاه وزیر معروف طغرل بیگ سلجوقی یعنی عمیدالملک کندری می‌باشد.

^۳ واژگان: خب = خوب میه = می‌آید

^۴ واژگان: کنده = قسمت پایین درخت پلن = بلند مرّه = می‌شود

^۵ پندَره = می‌پندارد - فکر می‌کند گله = گله، گروه گوسفندان پیوال = محل استراحت گوسفندان

دیگر از ضرب‌المثل‌ها، ضرب‌المثل زیر است.

"خَمِش دِ كَغَذْ كِه نِه^۶"

ToXmeš de kaghaz ke niya

به معنی "بذرش در کاغذ که نیست"^۷ (در قدیم بذر سبزی یا صیفی‌جات را که استفاده نمی‌کردند در کاغذ نگهداری می‌کردند). به نوعی ارتباط ساکنان این منطقه را با زندگی طبیعی و کاشت سبزی و صیفی‌جات نشان می‌دهد و انعکاس ویژگی‌های عینی و ملموس زندگی گذشتگان ما هست که بارها و بارها شاهد این امر بوده‌اند و ضرب‌المثلی برای آن بر ساخته‌اند.

۳-۶- انعکاس شیوه زندگی در ساختار ضرب‌المثل‌ها

برخی ضرب‌المثل‌ها هم آینه شیوه زندگی گذشتگان ما هستند و سبک زندگی گذشتگان را پیش چشم ما مجسم می‌کنند. این ضرب‌المثل‌ها نیز نشان از سبک زندگی ساکنان دیار ترشیز دارند و هم بعدی دیگر از ابعاد فرهنگی جامعه سنتی آن دیار را آشکار می‌سازند.

ضرب‌المثل:

"چَه دِ خُو مِبَالَه ، ماهی دِ اُو مِبَالَه^۸"

Bečča de Xow mebala , mahi de ow mebala

بعدی دیگر از ابعاد فرهنگی جامعه سنتی ما را آشکار می‌سازد. در جامعه سنتی کاشمر عقیده بر این است که بچه کوچک نیاز به خواب کافی دارد که این خود به نوعی شیوه زندگی آن‌ها را به نمایش می‌گذارد و به کمک آن می‌توان به ویژگی‌های زیستی آن‌ها پی برد.

ضرب‌المثل:

"شَمِش تُو دَرَه ، حُكْمِش رُو دَرَه^۹"

Čašmeš tow dara , hokmeš row dara .

ملهم از شیوه زندگی گذشتگان است که نشان می‌دهد از روی ظاهر افراد نمی‌توان قضاوت کرد. چه بسا افرادی در جامعه هستند که وضع ظاهری مناسبی ندارند ولی حرفشان خریدار دارد.

تعبیر عامیانه:

"گوکُش گو مُکْشه، کُلاغَجه روزگار بی مِته^{۱۰}"

Gowkoš gow mokša, kolaghaja rozegar bey meta

درباره کسانی است که قدر امکاناتشان را نمی‌دانند و به راحتی آن را از دست داده و فدای دیگران می‌کنند.

ضرب‌المثل:

"حَجَلِی گُوشَه فُرُخت، قَرَضِش اَدَا کَرْد^{۱۱}"

Hagali gowše foroXt , gharzeŠ e ada kerd .

نیز شیوه انعکاس زندگی گذشتگان است که مقروض بودن را عملی ناپسند می‌دانستند و برای ادای دین خود هر آن چه را که داشتند در معرض فروش می‌گذاشتند تا قرض خود را ادا کنند.

۶ تخم= بذر کَغَذْ= کاغذ نِه = نیست

۷ این ضرب‌المثل، به نایاب و کمیاب نبودن چیزی اشاره دارد.

۸ واژگان: دِ خُو = در خواب دِ اُو = در آب مِبَالَه = می‌بالد، رشد می‌کند. معنی: بچه در خواب رشد می‌کند و ماهی در آب.

۹ واژگان: تُو = تاب، احوال، دوپین، چپ چشم حکم = دستور- حرف رُو دَرَه = خریدار داشتن- بُرش داشتن معنی: چشمش چپ است ولی حکمش خریدار دارد.

۱۰ واژگان: گوکُش = گاوکش مُکْشه = می‌کشد کُلاغَجه = کلاچه، زاغچه پی دادن = به باد دادن، از دست دادن مِته = می‌دهد معنی: گاوکش گاو می‌کشد، زاغچه روزگار را به باد می‌دهد.

۱۱ واژگان: حَجَلِی = حاج علی گُوشَه = مخفف گاووش را فُرُخت = فروخت قَرَضِش = مخفف قرض‌هایش را معنی: حاج علی گاووش را فروخت و قرضش را ادا کرد.

اگرچه این شیوه زندگی امروزه بر افتاده، ولی ضرب المثل‌ها به حیات خود ادامه می‌دهند و دلالت خود را حفظ کرده‌اند و دلیل این امر آن است که ضرب المثل‌ها به عنوان بخشی از حافظه جمعی یک ملت، بیشتر به شکلی ناآگاهانه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند.

۳-۷- انعکاس ویژگی‌های فکری در ساختار ضرب المثل‌ها

ضرب المثل‌ها علاوه بر این که انعکاس ویژگی‌های محیطی و شیوه زندگی گروه‌های اجتماعی هستند، افکار و اندیشه‌ها و آرمان‌ها و ذهنیات خاص آن‌ها را نیز به نمایش می‌گذارند و به کمک آن‌ها می‌توان افکار و اندیشه‌ها و روحیات جامعه‌هایی را که ضرب المثل در آن خلق شده، بازشناخت.

ضرب المثل:

"نه چی میم نه مرم به او"^{۱۲}

Ne Čey mayom ne morom be ow

به زیبایی به ما می‌فهماند کار خیر و احسان به دیگران هر قدر هم که بزرگ و چشم‌گیر باشد، برای نابودیش کافی است که با منت گذاشتن شخص نیکوکار همراه گردد.

ضرب المثل:

"چراغش د صد جا مسوره"^{۱۳}

Čeragheš de sad jamosoza.

نشان از خواستگار زیاد داشتن و طالب و هوادار زیاد داشتن دارد که در قدیم یکی از افتخارات خانواده‌ها، زیاد بودن خواستگار دختران‌شان بوده است.

همچنین ضرب المثل:

"هتو حالا شوشته ور سنگ سفید گزیشه"^{۱۴}

hanoo hała šoošta, ver sange sefid gezišta

اشاره به نکوهش پیرانی دارد که مشابه جوانان رفتار می‌کنند. البته این بدان معنا نیست که یک فرد پیر نباید هم چون جوانان، زنده‌دل، با انرژی و شاداب باشد، بلکه مراد آن است که یک فرد کهنسال باید خود را از برخی صفات زشتی که در جوان‌ها نمود بیشتری دارد، دور نگه دارد. صفاتی چون سبک‌سری، لجاجت، عجله، غضب و ...

۳-۸- ابعاد تربیتی در ساختار ضرب المثل‌ها

بسیاری از ضرب المثل‌ها، هم‌زمان با انعکاس ویژگی‌های محیطی و شرایط خاص زندگی، جنبه تربیتی نیز دارند و اصول حاکم بر شیوه‌های تربیتی پیشینیان را بازگویی کنند. از جمله مضامین تربیتی که در ضرب المثل‌های کاشمیری و در واقع فرهنگ ترشیز شناخته شده است نفی برخی مضامین ضد اخلاقی و آموزه‌های منفی است.

از جمله مسائل مهمی که در میان ضرب المثل‌های کاشمیری به عنوان ضد ارزش بسیار مورد توجه و نکوهش قرار گرفته است مسئله تبلی است. از ضرب المثل‌هایی که به این مضمون اشاره دارد دو ضرب المثل ذیل است:

^{۱۲} واژگان: چی = چای میوم = می‌خواهم مَروم = می‌روم او = آب معنی: نه چایی می‌خواهم نه به آب می‌روم. مفهوم: عطای چیزی را به لقایش بخشیدن. در قدیم به بچه‌ها چای نمی‌دادند یا اگر می‌خواستند چای بدهند در ازای انجام کاری به آن‌ها چای می‌دادند که یکی از آن‌ها آب آوردن از قنات یا آب انبار بود.

^{۱۳} واژگان: د = در مسوره = می‌سوزد معنی: چراغش در صد جا می‌سوزد.

^{۱۴} واژگان: هتو = هنوز شوشته = شسته و = بر گزیشه = گذاشته است معنی: هنوز حالا شسته و بر سنگ سفید گذاشته است.

مفهوم: زن پیری که عاشق میشه یا کسی که نباید یک کاری که ازش گذشته انجام بده.

"بِه جُوقِ نِمِری بُرو بِه مَلَهٗ" ^{۱۵}

Be jog nemery boro be mala

و یا ضرب‌المثل:

"بِه به دُرُو بُرِنَتِ مَنگَالِتِ اَزَتِ نِمِسْتَن" ^{۱۶}

Age be dero nobranet mengalete azet nemestanan

یکی دیگر از آموزه‌های مهم تربیتی که مورد تاکید فرهنگ انسانی و اسلامی قرار دارد ضرورت حرمت آبروی دیگران است. این موضوع آن قدر مهم است که تجاوز به آبروی دیگران جزء بزرگ‌ترین گناهان محسوب شده و از طرف خداوند وعده عذاب الیم داده شده است. از ضرب‌المثل‌های معروفِ خطهٔ ترشیز که حفظ آبروی مردم را واجب می‌داند ضرب‌المثل زیر است که:

"آبرو که او جو نیه" ^{۱۷}

Abro ke ow jo niya

بی تفاوتی نیز یکی از عناصر نامطلوب فرهنگی است که با تاکید بیش از حد بر ترجیحات شخصی و منافع فردگرایانه در زندگی افراد نمود یافته و مانعی در ایجاد برقراری ارتباطات مثبت اجتماعی می‌شود. (کشاوری، ۱۳۹۹: ۳۸۱-۳۵۷)

ضرب‌المثل‌های ذیل که در فارسی معیار نیز دارای معادل است ^{۱۸}، به مذمت بی تفاوتی نسبت به دیگران و منفعت‌طلبی شخص تاکید دارد.

"او دهم چینه دهم و مرغ تو و رلیچه" ^{۱۹}

Ow daham china daham ver morgh-e to varlichha

"چاهه که نیه د او بری ما رنگ، چه سرش و ا بسه، چه تخته سنگ" ^{۲۰}

ahe ke niya berey ma range, če sareš va baša, če teXte sange č

عقل انسانی و رفتار عقلایی در طول تاریخ این معنا را اثبات می‌کند که تعاون و همکاری نسبت به دیگری، امری ضروری است و انسان‌ها اصولاً بی‌همگرایی و تعاون نمی‌توانند اجتماعی را ایجاد و آن را تداوم بخشند.

خرد انسانی به تنهایی این معنا را اثبات می‌کند که انسان‌ها می‌بایست برای ایجاد و حفظ اجتماع با یکدیگر همکاری داشته باشند و کارها و نیازهای دیگری را برطرف سازند و این یک اصل اخلاقی است که نمی‌توان از آن چشم پوشید. بر این اساس بی تفاوتی به عنوان یک اصل ضد اخلاقی و نابهنجاری اجتماعی تلقی می‌شود و خردمندان چنین رفتاری را ناپسند می‌شمارند.

^{۱۵} واژگان: جوق = جوق وسیله ای بوده که به پشت گاو می‌بستند و با آن خرمن را می‌کوبیدند. مله = منظور هموار کردن زمین و نرم کردن کلوخ‌ها بعد از شخم زدن است.

معنی: اگر به خرمن کوبی نمی‌روی برو به هموار کردن زمین. مفهوم: اگر کار آسان را انجام ندهی به تو کار مشکل تری می‌دهند.

^{۱۶} واژگان: اَزَت = از تو نِمِسْتَن = نخواهند گرفت. اگه = اگر بُرِنَت = تورا نبرند منگال = منظور داس است

معنی: اگر تو را به درو نبرند داس را از تو نخواهند گرفت. مفهوم: اگر این کار نفعی برایت نداشته باشد ضرر هم نمی‌کنی.

^{۱۷} واژگان: او = آب نیه = نیست معنی: آبرو که آب جونست. مفهوم: باید از آبروی مردم حفاظت کرد.

^{۱۸} معادل رایج در زبان فارسی: دیگری که برای ما نجوشد، سر سگ در آن بجوشد.

^{۱۹} واژگان: او = آب دهم = چینه = دون مرغ = بر و رلیچه = جفت گیری کند. معنی: آب و دانه (به خروسم) بدهم، آن وقت با مرغ تو جفت گیری کند.

مفهوم: در زمانی که خروس شخص با مرغ‌های همسایه جفت گیری می‌کند و سودی برای صاحبش نداشته باشد. (کسی که فقط به فکر منافع خودش می‌باشد)

^{۲۰} واژگان: نیه = نیست د او = پری برای رنگ = آب و رنگ وا = باز بسه = باشد معنی: چاهی که نیست در او برای ما آب و رنگی، چه سر آن باز باشد، چه تخته‌سنگی.

مفهوم: سود و زیان دیگران به من چه ارتباطی دارد؟ باید در فکر تأمین و تدارک منافع و مصالح خویش بود و لا غیر.

نتیجه‌گیری

نکته درخور توجه در این پژوهش این است که نباید به امثال تنها بر رویکرد ادبی و شیوه‌های زیبایی‌شناختی برای طرح تجربیات جامعه نگریست؛ بلکه ضرب‌المثل‌ها در کنار ویژگی هنری و ادبی، پدیده‌های معرفتی و یکی از قالب‌های پرطرفیت برای انتقال اخلاقیات و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی هستند و از لابلای آن‌ها می‌توان سبک زندگی گذشتگان و ارزش‌ها و ضد ارزش‌های حاکم بر جوامع آنان را کشف کرد و شرایط محیطی و منطقه‌ای را بازشناخت. با توجه به کاربرد فراگیر امثال در میان قشرهای اجتماع، ضرب‌المثل‌ها در جهت تولید، احیا و بسط سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌توانند نقشی بسزا ایفا کنند.

منابع

۱. امینی، امیرقلی (۱۳۹۳). فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان پارسی، تهران: فردوس.
۲. پرتوی آملی، مهدی (۱۳۶۹). ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، تهران: سنایی.
۳. خسروی، محمد رضا (۱۳۷۶). تاریخ کاشمر، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۱). امثال و حکم، تهران: چاپخانه سپهر.
۵. ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). تفاوت ضرب المثل با برخی گونه‌های زبانی و ادبی مشابه. نجوای فرهنگ، دوره ۲، ش ۴، ص ۲۱-۲۲.
۶. کشاورزی، مصدق (۱۳۹۹). ارتباط بین گرایش به هویت ملی و بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر بوشهر. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۳، ش ۴، صص ۳۸۱-۳۵۷.
۷. محتشم، حسن (۱۳۸۰). فرهنگواره تحلیلی امثال و حکم (ضرب‌المثل‌های سبزواری)، سبزواری: چاپ دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی.
۸. همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۸). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: چاپ هما.
۹. ولک، رنه و دیگران (۱۳۷۰). چشم اندازی از ادبیات و هنر، ترجمه غلامحسین یوسفی و محمد تقی (امیر) صدقیانی، تهران: معین.

سایت‌های اینترنتی

10- <https://www.islamquest.net/fa/archive/fa42811>11- <http://pajoohe.ir/Product.aspx?ProductID=47301>

Studying Cultural Structures in Tarshizkohan Proverbs

Hamid Zendedel¹, Reza Mehraban Ghezlhasrar^{2*}, Javad Mehraban Ghezlhasrar³

¹ Phd Student in Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

^{2*} Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

³ Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Email: rezamehraban16@gmail.com (Corresponding Author)

Abstrac

Iranian popular literature is a clear example of the world's precious literary treasure that we Iranians enjoy the reserves and ownership of this spiritual treasure, which unfortunately we have not appreciated. Proverbs are a type of this treasure, some of which usually have a history and instructive story behind them. Many of these stories have been forgotten, and the background of some proverbs is not clear to some people; however, they are used in speech. In our country, due to its ancient history, there are many proverbs. Although these proverbs have differences in language and dialect among different Iranian ethnic groups, many of them are common in meaning or concept. Proverbs are actually a reflection of the original and prevalent culture of each society. In the present study, by discussing and examining proverbs and popular expressions common in the land of Torshiz, we will try to outline the values, standards, and lifestyle of our ancestors, and in this way, we will research and examine customs, cultural structures, and norms.

Keywords: proverb, culture, cultural structures, ancient Torshiz.